**اعوذ بالله من الشيطن الرجيم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

# جادوی شیاطین (قسمت سی و ششم)

# عشق (بخش ششم(زوجیت))

**یکی از بزرگترین نشانه های خدا ، زوجیت است. خدا در جهان ما ، همه چیز را زوج آفریده است. شاید کسی از خود سوال کند چرا خدا همه چیز را به صورت زوج آفریده است. هدف اصلی زوج آفریده شدن در جهان مادی، عبرت گرفتن و متذکر شدن انسانهاست. یعنی خدا بوسیله آفریدن ازواج و متممها و مکملها در این جهان، ما را به نشانه هایش راهنمایی میکند و اندیشه انسان را به تلاش و کنکاش وا میدارد** (وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ). **ما در این جهان سن محدود و مهمتر از همه توانایی های محدودی داریم. بنابراین برای شناسایی جهان و همچنین شناسایی خودمان، بوسیله ازواج راحت تر میتوانیم تحقیق کنیم و به نتیجه برسیم.**

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾
و از هر چیزی دو گونه آفریدیم امید که شما عبرت گیرید (۴۹)

**وقتی زوج یک شیء کشف شود، ماهیت و کارکرد واقعی شیء روشن میشود. بنابراین زوجیت نوعی راهنماست تا ما در کره زمین و در این دنیای فانی، راه ترقی را طی کنیم و زودتر به شناخت واقعی برسیم و بتوانیم با علم و عبرت، نفس خودمان را از جهان مادی نجات دهیم. منظور از زوج، همیشه مذکر و مونث نیست، بلکه بعضی مواقع متمم و مکمل هم هست.**

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾
و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده ] آفریدیم امید که شما عبرت گیرید (۴۹)

**بعضی چیزها زوج هستند ولی علم ما هنوز به آن پی نبرده است** (وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ **در آیه زیر). بشر برای اولین بار در قرن شانرده میلادی کشف کرد که حتی گیاهان هم براساس زوجیت عمل میکنند، در حالی که قرآن در ۱۴۰۰ سال پیش این مطلب را بیان کرده است . فقط خدای عالمیان تک و تنهاست (** قل هو الله احد الله صمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد).

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۶﴾
پاك [خدایی] که از آنچه زمین می رویاند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی دانند همه را نر و ماده گردانیده است (۳۶)

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿۲۲﴾

و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم و شما خزانه دار آن نیستید (۲۲)

**خدا در مورد روز قیامت می فرماید که :** وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ. **این یعنی در روز قیامت، تمام زوجها، به مکان و موقعیت اصلی خود بر میگردند. ما بشر هم برای زوج شدن آفریده شده ایم. ولی وقتی ازدواج میکنیم؛ شیطان با جادوها و وسوسه ها نمی گذارد زوج بمانیم و پیوند معنوی زن و مرد را از هم میگسلد.**

**در مورد جادوهایی که در زمان سلیمان ، شایع بود؛ یکی از آنها جدایی انداختن بین افراد و زوجشان بود. در این آیه خدا از عبارت زوج استفاده میکند** (مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ) **. گاهی زن و شوهر در ظاهر پیش هم زندگی میکنند ولی اصالت زوجیت خویش را از دست داده اند. زیرا شیطان آنها را جادو کرده است. روشهای جادویی، زوجیت براساس معنویت را قبول ندارند.**

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾

و آنچه را که شیطانها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان[صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می آموختند و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده

شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم نمیکردند مگر آنکه [قبلا به او] می گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم پس زنهار کافر نشوی و[لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و زوجش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و [خلاصه] چیزی می آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی رسانید و قطعا [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت بهره ای ندارد وه که چه بد بود آنچه به جان خریدنداگر می دانستند (۱۰۲)

**راحت ترین روش برای از بین بردن روابط سالم خانوادگی و فروپاشی آن، از بین بردن زوجیت در روابط زناشویی است. به همین خاطر شیطان از بین بردن زوجیتها را هدف اصلی خودش قرار داده است. زیرا در سیستم رحمانی که خدا خلق فرموده است، جهت ترقی باید از این سیستم پیروی کرد. در قرآن از چند کلمه** زوج، امْرَأَةَ ،النساء **برای همسر و زن استفاده شده است. اما هر کدام از این کلمات معنا و مفهوم خاصی را در خود دارند.**

**برای زن نوح و لوط از** امْرَأَةَ **استفاده شده است** (امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ). **زیرا نوح و لوط مومن بودند و همسرانشان غیرمومن بودند. اما برای آدم از لفظ** زوج **استفاده شده است** (وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ )**. زیرا آدم و همسرش هر دو مومن بودند. زن فرعون با همسرش همراستا نبودند و به همین خاطر از لفظ** امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ **استفاده شده است. در مورد زکریا قبل از تولد یحیی، از لفظ امْرَأَتَ** ( وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا) **استفاده میشود زیرا قبل از تولد یحیی، زکریا با همسرش از نظر**

**فکری و اهداف زندگی اختلافاتی داشته است ولی بعد از اینکه خدا یحیی را به آنها بخشید، خدا همسرش را از بندگان صالح قرار داد و خدا او را** زوج **خطاب میکند و میفرماید:(** فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ**).**

**زن و یا مرد اگر می دانستند که زوج او فقط در سیستم رحمانی به یک زوج واقعی تبدیل میشود هیچ وقت متوسل به سیستم شیطانی نمی شدند. زنان بطور عادی در زندگی خویش هشتاد درصد از احساس استفاده میکنند و بیست درصد منطق و مردان برعکس. زوجیت به این معناست که زن و مرد در یک سری خصوصیات مکمل و متمم همدیگرند. متاسفانه این که خیلی از زنان و مردان نماز به جا نمی آورند، نشانه خوبی نیست زیرا نشان از آن دارد که آنان زوج خود را می خواهند به یک طریق غیر رحمانی جذب کنند؛ البته این روشها، در نهایت خودشان را گرفتار می‌کند.**

**ما باید ایمان آوریم که تورات هم کتاب خداست و باید به مطالب منحرف نشده آن ایمان آوریم ، هر چند که تحریفاتی در ترجمه های آن صورت گرفته است ولی شاگردان قرآن خیلی راحت میتوانند مطالب صحیح آن را بفهمند. در تورات گفته شده است که در بهشت، شیطان حوا را فریب داد و از آن طریق آدم را فریب داد؛ اما در قرآن فریب را به هر دو نسبت داده است. هر دو عبارت کاملاً درست هستند و تصدیق کننده یکدیگر. جمله قرآن کلی تر است و تایید کننده جمله تورات است. برای توضیح بیشتر به یک نمونه مثال واقعی توجه کنید: در یک خانواده ای مردی**

**مشروب می نوشید اما بعد از مدتی بین زن و مرد اختلاف افتاد و زن از این شکایت میکرد که مردش عوض شده و او را کتک میزند. وقتی از مرد خواستند که برای حفظ زندگی، دیگر مشروب ننوشد زیرا مشروب باعث این گرفتاری است؛ مرد در جواب گفت که این چه حرفی است که شما میزنید؛ زنم هر روز مشروب را برای من در یخچال می گذارد تا خنک شود. در واقع با این کار، زن به مشروب خواری مرد چراغ سبز نشان داده بود. او گفت که زنش مشروب مصرف نمی کند ولی در مصرف الکل هم مخالفتی ندارد. یکی از مشوق های اصلی مصرف مشروب از طرف مرد، خود زن است. متاسفانه بیشتر زنان این اشتباهات را مرتکب می شوند. از نظر علمی این مسئله را میشود اینطوری توضیح داد که زن برای تبدیل مرد به آن مردی که خودش در نظر دارد تلاش می کند؛ وقتی مرد با مصرف مشروبات الکلی به ظاهر الکی خوش تر میشود، زن به اشتباه فکر میکند که بله! این همان چیزی است که من می خواهم! بنابراین زن ممکن است که مردش را در مصرف الکل منع نکند و حتی آماده سازی هم کند تا مردِ رویاهایش! را برای خودش بیافریند. درست است که در این موقعیت، زن، مرد را در عملیات فریب انداخته است، اما خود زن هم فریب خورده است. در واقع شیطان با زیرکی تمام هر دو را فریب داد و به همین خاطر قرآن فریب را به هر دو نسبت داده است. بعد از مدتی زن و مرد کارشان تا مرحله طلاق رفت. یعنی نه تنها مشروب الکلی مرد را تحت کنترل زن نیآورد، بلکه به طور کامل او را نسبت به زن شورانید. به این طریق زن هم فریب خورد. زن و**

**مرد به نوعی آزمایش و فتنه هستند برای همدیگر. فتنه در عربی به معنای شکل دهنده است، آنها به نوعی به همدیگر شخصیت و شاکله میدهند. آنها آزمایش همدیگر را یا مشکل می کنند و یا ساده تر میکنند. اگر اعمال زن ومرد رحمانی باشد، به نفع شان است اما اگر اعمالشان غیر رحمانی باشد؛ شاید در ظاهر با هم خوب باشند ولی همدیگر را نابود میکنند. شاید در ظاهر با همدیگر خوب به نظر برسند ولی در واقع زوجیت خویش را از دست داده اند. یک زن، یک مرد میخواهد که ایده آل باشد و البته همگی این نوع را می خواهند. آنها به خیال خودشان زن و مرد کامل می خواهند؛ آنها مردی و یا زنی می خواهند که طور دیگری باشد. ممکن است که بنا به پیشنهاد شیطان برای تغییر مرد از الکل هم استفاده شود.**

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾

و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعا نشانه هایی است (۲۱)

**خدای مهربان عبارت** لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا **برای زوج به کار برده است به این معناست که زوج ها همدیگر را از فعالیت های اضافی باز می دارند و در آزمایش و مسیر اصلی قرار میدهند. بعضی ازواج با همدیگر خوب نیستند، اخلاق های نامناسبی نسبت به**

**هم دارند، در حالی که با دیگران خوبند این حالت نوعی مجنونی است که از توهمات عشق ناشی می شود؛ عشق مهمترین حربه شیطان برای انحراف بشریت است.**

**خدای مهربان دو دست به ما داده است که کامل کننده کارهای همدیگر هستند ما با یک دست خیلی کارها را نمی توانیم انجام دهیم اما با دو دست همه کار می‌توانیم بکنیم. دو دست هم به نوعی زوج آفریده شده اند. بعضی مواقع یک دست با دست دیگر همکاری نمی کند و این یک نوع بیماری و یا سندروم به نام سندروم دست بی قرار است. این مورد در مورد ازواج هم صدق میکند.**

**معمولا مرد دنبال زنی است که پاکدامن باشد با خصوصیات زنانگی. اما شیطان باعث می شود که این صفات فقط در مسئله جنسی منحصر شود و افراد همدیگر را فقط به دیده جنسی ببینند. زوجیت باید طبق سیستم رحمانی باشد و جادو این سیستم زوجیت را هدف قرار داده است تا آن را از بین ببرد؛ زیرا شیطان می داند جامعه ای که زوجیت را از دست دهد دچار مشکل می شود. خدای مهربان دو جامعه را در طول تاریخ به ما نشان داده است که بخاطر از دست دادن زوجیت در جامعه، عذاب بر آنها نازل شد یکی قوم نوح و دیگری قوم لوط. حتی طوری شده بود که زنان لوط و نوح بر علیه شوهرانشان کار می کردند! به این طریق در آن جامعه، صالح ترین و خوبترین آدمها هم زوجیت ها را از دست داده بودند؛ در این حالت نسل درستکاری پرورش پیدا نخواهد کرد و به همین خاطر خدای مهربان و حکیم آن دو جامعه را نابود کرد. به همین خاطر نوح ، بعد از سالها تلاش در گسترش پیام**

**خدا، از خدا میخواهد که آن جامعه را نابود کند زیرا جامعه ای که زوجیت را از دست داده باشد، نسل سپاسگذاری تولید نمی کند.**

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾
و نوح گفت پروردگارا هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار (۲۶)

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾
چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزایند (۲۷)

**مهمترین هدف زوجیت تکثیر و تولید نسل است . وقتی که این اهداف به خطر افتاد دیگر فاتحه آن نسل خوانده است و محکوم به نابودی است. درسیستم رحمانی باید اینطوری به قضیه نگاه کنیم که اگر زن و یا مرد بد است و تو باز هم داری با او زندگی می کنی؛ بهتر است که به عنوان یک چالش به آن نگاه کنید تا به وسیله این حالت، نفس خود را پرورش دهید زیرا چاره ای جز این هم ندارید.**

**بعضی مواقع زن و مرد برای اینکه زوجیت خویش را از دست ندهند بر کار خراب تفاهم می کنند و به خیال خود جلو از دست رفتن زوجیت را دارند میگیرند ولی نمی دانند که با این کار دقیقاً زوجیت خویش را از دست داده اند! بعضی زنها و مردها به علت اینکه در سیستم رحمانی نیستند زوج پذیر نیستند. شیطان از آنجا**

**که بر خلاف سیستم رحمانی کار میکند، هر آنچه که در سیستم رحمانی آفریده شده باشد را سعی دارد منحرف کند و به این طریق در خلقت خدادادی دست کاری میکند. یکی از قوانین طبیعت زوجیت است که سیستم رحمانی بر آن استوار است و اگر این قانون به هم بخورد، کار شیطان برای منحرف کردن مردم خیلی راحت میشود.**

**حوا به خاطر به دست آوردن آن چیزی که خودش میخواست، آدم را به سمت یک واقعیت مجازی فراخواند و عملاً باعث فریب خود و آدم شد. از آنجا که زنان هشتاد درصد احساس و بیست درصد منطق اند؛ به همین خاطر خیلی راحت در آلفا قرار می گیرند و می توانند باعث فریب خود و فریب مرد خویش شوند. البته در اینجا آدم و حوا هر دو مقصرند و هر دو با هم فریب خورده اند.**

**زوجیت در انسان، در کل در سه سطح مطرح می شود یکی زوجیت کالبدی و دیگری زوجیت بصیرتی و سومی زوجیت نفوس. در زندگی مشترک اصل بر حفظ زوجیت است یعنی زن و شوهر باید کاری کنند که زوجیت آنان به هم نخورد. طبق آیه قرآن، زنان و مردان باید دارای صفات خوب زیر باشند تا زوجیت آنان باقی بماند.**

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ

وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿۳۵﴾

مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است (۳۵)

**قطعا و بدون شک هر دو زوج باید مصداق آیه بالایی باشند تا بتوانند زوجیت را حفظ کنند و در آن راه ترقی بیابند و آرامش یابند.**

**تجربه نشان داده است که حس های کالبدی مثل حس لامسه، بویایی یا هر حس دیگری تا چند دقیقه دوام دارند؛ یعنی شما بعد از چند دقیقه دیگر بویی را احساس نمی کنید و به اصطلاح بینی شما پر می شود؛ یا مثلاً در اتاق خواب ابتدا به مدت چند دقیقه صدای تیک تاک ساعت را میشنوی، اما بعد از آن دیگر صدایی نمی شنوید و به آن خو می گیرید. به این می‌گویند خوگیری حسی. زن و شوهر بعد از مدتی که با هم بودند زوجیت آنها در سطح کالبدی می ماند و قضایا برایشان تکراری می شود و مثل حس بویایی که بعد از چند دقیقه خو می گیری؛ آنان هم به شرایط خو میگیرند. وقتی زوجیت زوجی فقط در سطح کالبدی باشند و پیشرفت نکند، بعد از مدتی زوجیت آنان زیر سوال میرود. مثلاً زن و مرد تا چندین ماه برای یکدیگر تازگی دارند ولی بعد از آن، از آنجا که بی تقوایند و چشمانشان را نمی توانند حفظ کنند و دچار گناه میشوند؛ زوجیت آنان منحرف میشود. زیرا آنان زوجیت خویش**

**را در سطح کالبدی نگهداشته اند ؛ مگر اینکه زوجیت آنها از سطح کالبدی به سطح بصیرت و نفس ارتقاء یابد و این هم فقط در سایه تقوای طرفین امکان پذیر است.**

**اگر در یک جامعه زاد و ولد کم شود یعنی زوجیت کالبدی منحرف شده است. مردم برای خود دوست پسر و دوست دختر می گیرند آنها پنهانی برای خود دوست می گیرند در این حالت زوجیت کالبدی هم برقرار نیست. وقتی طرفین غیر علنی ارتباط برقرار میکنند؛ با این نوع ارتباط شان ضربه روانی به خود می زنند و بهداشت روانی خود را به خطر می‌اندازند. تصور کنید که یک مربی از شاگردش امتحان میگیرد. شاگرد در ۱۰ ثانیه ۱۰۰ متر را میدود. مربی بسیار هیجان زده و خوشحال میشود ولی شاگرد اصلا خوشحال نیست زیرا مخفیانه و بدون اطلاع مربی دوپینگ کرده است ولی از مربی پنهان میکند. دوست گرفتن پنهانی هم به این طریق است که انرژی را از زندگی واقعی می گیرد. دوست گرفتن پنهانی هم مثل این است ، از آنجا که پنهان کاری می کنند، صفات منفی را در خود پرورش میدهند همچون ریا، دروغ و سایر صفات . پنهان کاری در صفات منفی خود به خود ارتباط با شیاطین و اجنه را برقرار میسازد و فرد سوم شخص برای خودش می سازد که مدام با سوم شخص نادیدنی (شیطان) مشورت می کند. در علم روانشناسی اصطلاحی هست به اسم آنیما و آنیموس. آنیما قسمت زنانه یک مرد است که بخش بسیار کوچکی از ذهن یک مرد را تشکیل می دهد، شیطان با زیرکی تمام افراد را به جستجو در آنیمای درون می فرستد. مثلاً شاید تعجب کنید که بعضی شعرا از لب سرخ و ابروی**

**کمان و ... سخن می گویند؛ اینها در جستجوی شخصیتی زنانه در ذهن خویش هستند. به این طریق فرد عاشق خودش میشود. آنیما همان نقطه‌ای است که افراد را دچار خود جنس گرایی و همجنس گرایی می کند. آنیموس هم شخصیت مردانه یک زن است. حتی شعرا در جستجوی این آنیما و آنیموس گفته اند که** *گهی هستی و گهی نیستی*. **مثلاً شاید دیده باشید که بعضی ها که ازدواج هم کرده اند برای خود و پیش خود آوازی را می خوانند که در مورد وصف ابروی کمان و چشمان دلبرو ... است؛ در حالی که آنان ازدواج کرده اند و چرا باید دنبال این صفات بگردند! اینها همان جستجوی آنیما و آنیموس است. خدا فقط ازدواج را قبول دارد زیرا آنیما و آنیموس هیچ نتیجه و بهره ای در تولید مثل ندارند و و زنان و مردان نمی‌توانند که با آنیما و آنیموس خود ازدواج کنند. خدا این ارتباطات درونی افراد را نوعی خود جنس گرایی و یا همجنسگرایی معرفی می کند. انگار پرداختن به آنچه که خارج از قوانین خداست به نوعی تغذیه اجنه بحساب میاید. در زمان قدیم به زن و یا مردی که خود جنس گرا بود و با خودش مشغول بود، جن ده میگفتند زیرا از نظر آنان افراد با جن خود ازدواج کرده بودند و این همان آنیما و آنیموس است.**

**یک بند باز برای حفظ تعادل خود روی طناب، به یک میله نیاز دارد. ما هم برای حفظ تعادل خود در زندگی به زوج نیاز داریم زیرا بدون زوج کار ما مشکل تر می شود. خوردن و خفتن یک نوع نیاز است، اما شیطان با زیرکی تمام نیاز جنسی را به نیاز به لذت جنسی تبدیل کرد و آن را از اصلش تحریف کرد. خدا روشی را برای**

برطرف کردن هوای جنسی نفس گذاشته است اما شیطان آن را لذت بزرگ می نامد و برای افراد برجسته میکند. در صورت افراط و برجسته کردن نیاز جنسی، این نوع نیاز منحرف میشود و به همین خاطر نیاز به لذت جنسی در قوم لوط به لواط تبدیل شد. زیرا نیاز اصلی انسان نیاز به لذت جنسی نیست بلکه نیاز جنسی وسیله ای است برای بقا و لذت آن هم محدود است. کشیشان مسیحی کلاً هوای نفس را می کشند اما خدا در قرآن آن را رد کرده و راه متعادلی پیش گرفته است مثلاً قبل از پیامبر محمد در شب های ماه رمضان، عمل جنسی حرام بود اما خدا آن را آزاد گذاشت زیرا می دانست که مردم به نفس خود خیانت می کنند. در خیلی از جاها که رهبانیت فراگیر شده، نیاز به لذت جنسی منحرف شده است و بعضی از آنها وارد آنیما و آنیموس درونی خویش می شوند و گرفتار شیطان میشوند. شیطان لذت جنسی را خیلی بزرگ و برجسته کرده است. اما تولید مثل، که هدف اصلی نیاز جنسی است را برجسته نکرده است. در پیری توانایی جنسی افراد کم میشود ولی میل به لذت جنسی همچنان وجود دارد. این نشان میدهد که نیاز به لذت جنسیِ تحریف شده یِ نیاز به عمل جنسی است. نیاز به لذت جنسی جزو هوای نفس است و نیاز به عمل جنسی جزو ضروریات حفظ نسل و بقاست. تفکیک این دو بسیار مهم است. شعرا که در اشعار خود مدام از این هواها صحبت میکنند، فریب لذتها را خورده اند.

**در دوران مجردی که زوجیت برای بعضی افراد امکان پذیر نیست، خدا استعفاف و حیا را پیشنهاد می دهد** (وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)**؛ زیرا زوجیت برای رشد نفس لازم است اگر کسی به هر دلیلی نتوانست زوجش را پیدا کند، باید حتماً صبر کند و یا حتی کسی که زوج او، زوج واقعی نیست برای برآورده کردن این کمبود باید باز هم به صبر و استعفاف روی آورد. بعضی افراد در اعمال جنسی فقط لذت آن را در نظر دارند و خیلی مواقع درآن طغیان میکنند. وقتی هدف فقط لذت جنسی باشد، بعد از مدتی هوای نفس دنبال همجنسگرایی، خود جنس گرایی و سایر روشها می رود.**

**تحقیقات نشان داده است که بعضی افراد که حتی با سنگ و یا چاقو خود را میزنند، از این کار به نوعی لذت می برند؛ زیرا این فرد که با چاقو خود را میزنند صرفاً لذت گراست. زیرا جن ها و شیاطین چیزی را به لذت تبدیل می کنند که واقعا لذت نیستند و فرد را فریب می دهند. صرفا لذت گرا بودن، ایده خطرناکی است. زیرا شیطان میتواند در حسهای انسان تداخل کند و هر چیزی را به لذت تبدیل کند. صرفا لذت گرا بودن باعث میشود که افراد حتی دچار خود جنس گرائی و همجنس گرائی شوند.**

**شیطان از نیازهای انسان سوء استفاده می کند اصل نیاز به عمل جنسی را به نیاز به لذت عمل جنسی تبدیل می کند. یا نیاز به زندگی را به نیاز به پول تبدیل می کند. زن فکر می کند که مرد فقط برای پول و حمالی است و مرد هم فکر می‌کند که زن**

**فقط برای شهوت است و این بزرگترین انحرافی است که در زوجیت اتفاق افتاده است.**

**فرعون بنی اسرائیل را به بردگی گرفته بود با این روش که مردان آنان را می کشت و زنانشان را زنده می گذاشت؛ در جامعه فعلی ما این روش بسیار ظریف تر انجام می شود به این طریق که خاصیت مردانگی کنار گذاشته می شود و خاصیت زنانگی برجسته می شود. مثلاً شما اگر بعضی فیلم های ایرانی را دیده باشید متوجه خواهید شد که تمام این فیلم ها بر این اساس درست شده اند که زنان باید رئیس خانواده باشند و آنها باید دستور دهند و مرد باید از آنها بترسد و پنهان کاری کند و ... به این طریق خاصیت زنانگی منحرف شده برجسته می‌شود بدون خاصیت مردانه. در این حالت توازن به هم میخورد و جامعه‌ای ظلم پذیر به وجود می آید. وقتی که خاصیت مردانه و یا خاصیت زنانه در یک جامعه ضعیف شود؛ توازن زوجیت در آن جامعه به هم میخورد.**

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿۶﴾

و [به خاطر بیاور] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت نعمت خدا را بر خود به یاد آورید آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید [همانان] که بر شما عذاب سخت روا می داشتند و پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند و در این [امر] برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود (۶)

**در جوامع اروپایی، خاصیت زنانگی فوق العاده برجسته می شود؛ مثلاً کوچکترین بی اهمیتی به زن و یا حتی بچه ها، مرد را به دادگاه خانواده می کشاند و باید مرد مدت ها تلاش کند تا خلاف آن را ثابت کند. مرد به ناچار به آنچه که جامعه اجبار می کند تن میدهد و بعضی خاصیتهای مردانگی را در خود می کشد و ذلیل می شود. این حالت نه تنها به سود زن نیست بلکه به ضرر اوست زیرا تغییر در زوجیت تغییر در خلقت خداست و تغییر در خلقت خدا یعنی به هم زدن توازن زندگی و عدم آرامش در آن زندگی.**

**متاسفانه احادیث زیادی در مورد زوجیت گفته شده است که همگی از اساس غلط هستند. مثلاً حدیث می گوید ازدواج نیمه دین است یا اینکه یک جای دیگری گفته میشود که اگر من دستور میدادم که زن فردی غیر از خدا را سجده کند دستور میدادم که زن شوهرش را سجده کند! این کلمات کج و معوج واقعاً از طرف محمد رسول خدا نیستند. یا جای دیگری می گوید نکاح سنت من است. آیا قبل از پیامبر محمد نکاح و ازدواج نبوده است؟ به قول قرآن، پدر زن موسی به او می گوید که من یکی از این دو دختر خویش را به نکاح تو در میاورم.**

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾

[شعیب] گفت من می خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می کنی] به **نکاح تو در آورم** به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است و نمی خواهم بر تو سخت گیرم و مرا ان شاء الله از درستکاران خواهی یافت (۲۷)

**پس چطور حدیث می گوید که نکاح سنت پیامبر محمد است! این تفکرات منحرف در احادیث فراوان یافت میشود و نمی گذارد مردم مفاهیم قرآنی را متوجه شوند. شیطان بوسیله گسترش حدیث ، توانست قرآن را مهجور کند.**